

بررسی وابستگی رفاه ذهنی مردم جوامع در حال توسعه به متغیرهای کلان اقتصادی

فرهاد نیلی^۱، بهزاد بابازاده خراسانی^{۲*}، محمدسعید شادکار^۳

۱. استادیار، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران f.nili@cbi.ir

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران b_babazadeh@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران m_s_shadkar@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۹

چکیده

در مطالعات اقتصاد کلان، رفاه اجتماعی تابعی از تورم و بیکاری فرض می‌شود. اگرچه در حوزه تئوری‌های اقتصاد کلان از تابع رفاه اجتماعی، که به متغیرهای بیکاری و تورم وابسته است، فراوان استفاده شده، فرض موجود در آن نیازمند بررسی از طریق مشاهدات تجربی است. در این پژوهش در زمینه حوزه اقتصاد شادکامی و با استفاده از داده‌های رفاه ذهنی ۴۴ کشور در حال توسعه، با در نظر گرفتن عوامل فردی، تأثیر منفی افزایش متغیرهای نرخ بیکاری کل و نرخ تورم بر رفاه ذهنی مردم این کشورها نشان داده شد. همچنین، نشان داده شد که یک درصد افزایش نرخ بیکاری کل - در مقایسه با یک درصد افزایش نرخ تورم - تأثیر بیشتری در کاهش رفاه کل دارد.

طبقه‌بندی JEL: E24, E31, I38, J68, O11

واژگان کلیدی: اقتصاد شادکامی، بیکاری، تورم، رفاه ذهنی، کشورهای در حال توسعه.

۱. مقدمه

هدف اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی از طراحی سیاست‌ها، افزایش رفاه افراد جامعه است. بنابراین، ضروری است که ایشان به آثار رفاهی سیاست‌های خود آگاه شوند تا بتوانند رفاه جامعه را به حداکثر برسانند.

در مطالعات اقتصاد کلان، رفاه اجتماعی تابعی از تورم و بیکاری فرض می‌شود. اگرچه در حوزه تئوری‌های اقتصاد کلان از تابع رفاه اجتماعی، که به متغیرهای بیکاری و تورم وابسته است، فراوان استفاده شده، فرض موجود در آن نیازمند بررسی از طریق مشاهدات تجربی است. در واقع، این فرض که تورم و بیکاری در رفاه اجتماعی مؤثرند با یافتن نوعی از داده‌های مربوط به مفهوم رفاه، که در برابر این دو متغیر حساس‌اند، پشتوانه محکم‌تری خواهد داشت. علاوه بر سؤال از وجود این فرض، پرسش از ضرایب نسبی این عوامل در تابع رفاه اجتماعی نیز درخور توجه است. به عبارت دیگر، اگر بپذیریم رفاه مردم نسبت به این عوامل حساس است، میزان نسبی این حساسیت هم در جای خود مهم است. سؤال اخیر به حوزه‌ای از ادبیات اقتصاد کلان با عنوان هزینه‌های رفاهی تورم^۱ مرتبط است. در واقع، با تخمین ضرایب تابع مذکور، می‌توان هزینه رفاهی تورم را بر اساس عامل بیکاری یافت. به عبارت دیگر، می‌توان دریافت که جامعه حاضر است چه میزان کاهش بیکاری را با چه میزان افزایش تورم مبادله کند.

برای پاسخ به سؤالات فوق، باید به داده‌های مفهوم رفاه دسترسی داشت. امروزه، در ادبیات اقتصادی، حوزه‌ای نسبتاً جدید به نام اقتصاد شادکامی^۲ جایگاهی در جریان اصلی علم اقتصاد یافته است. اقتصاددانان فعال در این حوزه با مفهومی به نام رفاه ذهنی^۳ سروکار دارند. روشی که اقتصاددانان این حوزه به کار می‌برند از روان‌شناسی وارد اقتصاد شده است. هر ساله صدها هزار نفر در نقاط مختلف جهان به سؤالاتی نظیر «به چه میزان از زندگی خود راضی هستید؟» یا «به طور کلی، این روزها چه میزان خوشحال هستید؟» پاسخ می‌دهند و پاسخ آن‌ها در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد. اگرچه کاربرد این رویکرد در علم اقتصاد مدرن سابقه طولانی ندارد و ریچارد

1. Welfare cost of inflation
2. Economics of happiness
3. Subjective well-being

استرلین^۱ اولین اقتصاددانی است که در ۱۹۷۴ از آن استفاده کرد، امروزه، کاربرد این رویکرد در میان اقتصاددانان کاملاً پذیرفته شده و اقتصاددانان بنامی از این رویکرد استفاده می‌کنند. همچنین، مهم‌ترین مجلات اقتصادی پژوهش‌های این حوزه را انعکاس می‌دهند.

ارتباط متغیرهای کلان اقتصادی با مفهوم رفاه ذهنی توسط تنی چند از اقتصاددانان با استفاده از داده‌های مرتبط با کشورهای اروپایی و آمریکا انجام شده است، که در بخش ادبیات موضوع به آن‌ها خواهیم پرداخت. اما وجود و اندازه ارتباط متغیرهای بیکاری و تورم با رفاه ذهنی در کشورهای در حال توسعه سؤال است که در این پژوهش بدان پرداخته شده است.

این مقاله در شش بخش تنظیم شده است: مرور ادبیات موضوع؛ معرفی منابع؛ داده‌های تحقیق و توصیف مختصر آن‌ها؛ معرفی مدل تحقیق؛ نتایج؛ و جمع‌بندی.

۲. ادبیات موضوع

مطالعات رفاه ذهنی در علم اقتصاد مدرن سابقه طولانی ندارد و به‌تازگی جایگاهی در جریان اصلی علم اقتصاد یافته است. بنابراین، در این بخش نخست به معرفی مفهوم رفاه ذهنی و بررسی مختصر ادبیات مرتبط با آن می‌پردازیم. سپس، با توجه به اینکه در مدل نهایی تأثیر عوامل کلان بیکاری و تورم را با در نظر گرفتن عوامل خرد مؤثر بر رفاه ذهنی بررسی خواهیم کرد، به مرور مختصر ادبیات عوامل فردی تأثیرگذار بر رفاه ذهنی می‌پردازیم. در بخش آخر نیز به مرور مطالعات مرتبط با تأثیر متغیرهای تورم و بیکاری بر رفاه ذهنی خواهیم پرداخت.

۱.۲. رفاه ذهنی

اندازه‌گیری رفاه اجتماعی و فردی از جهات مختلف اهمیت بسیار زیادی دارد. از بُعد سیاست‌گذاری، اغلب سیاست‌گذاران به اجرای سیاست‌هایی تمایل دارند که به بهبود رفاه افراد جوامع منجر شود. داشتن تعریف دقیق از رفاه و معیاری که بتواند به‌درستی

1. Easterlin

آن را اندازه‌گیری کند لازمه‌ی کام‌یابی در تدوین و اجرای سیاست‌هایی است که بتواند سیاست‌گذار را در دست‌یابی به هدف مذکور کمک کند. به طور کلی، برای اندازه‌گیری رفاه دو رویکرد متفاوت به کار گرفته شده است. آنچه در بین اهالی علم اقتصاد سابقه‌ی بیشتری دارد اندازه‌گیری رفاه در قالب شاخص‌های عینی است. مهم‌ترین این شاخص‌ها شاخص درآمد سرانه است. اقتصاددانان و سیاستمداران از این رویکرد بسیار انتقاد کرده‌اند. تلاش‌های فراوانی هم برای جایگزینی آن با شاخص‌هایی کامل‌تر صورت گرفته است.^۱

رویکرد جایگزین برای اندازه‌گیری و ارزیابی رفاه فردی و اجتماعی رویکرد رفاه ذهنی است. این روش اندازه‌گیری رفاه، رفاه را در قالب شاخص‌های شادکامی و رضایت از زندگی ارزیابی می‌کند. هر ساله از صدها هزار نفر در نقاط مختلف جهان خواسته می‌شود تا با پاسخ به سؤالاتی نظیر «با در نظر گرفتن همه چیز، در حال حاضر تا چه حد از زندگی خود راضی هستید؟» یا «با در نظر گرفتن همه چیز، شما این روزها: بسیار خوشحال هستید؟ تا حدی خوشحال هستید؟ یا اساساً خوشحال نیستید؟» رفاه خود را ارزیابی کنند. معمولاً به پاسخ‌های سؤال اول شاخص رضایت از زندگی و به پاسخ‌های سؤال دوم شاخص شادکامی اطلاق می‌شود؛ و به این دو شاخص و دیگر شاخص‌های مشابه شاخص‌های رفاه ذهنی می‌گویند. روان‌شناسان، معمولاً به پرسش‌هایی که از فرد درباره‌ی رضایت وی از زندگی می‌شود تمایل بیشتری دارند، اگرچه عملاً بین این دو همبستگی بسیار زیادی مشاهده می‌شود (گراهام^۲، ۲۰۰۹). به طور کلی، بخشی از ادبیات اقتصادی، که از شاخص‌های ذهنی رفاه استفاده می‌کند، به نام اقتصاد شادکامی شناخته شده است.

اقتصاد شادکامی رویکردی برای ارزیابی رفاه است که در آن از ابزارهای دانش اقتصاد و روان‌شناسی (به شکل ترکیبی) استفاده می‌شود. اقتصاددانان نوعاً آموخته‌اند که ترجیحات را از انتخاب‌های مشاهده‌شده (آشکارشده) افراد استنباط کنند؛ اما رفاه ذهنی، به جای آنکه رفاه را بر مبنای ترجیحات آشکارشده^۳ اندازه‌گیری کند، آن را از

۱. برای نمونه ← استیگلیتز، سن و فیتوسی (۲۰۰۹)

2. Graham

3. Revealed preferences

طریق ترجیحات بیان شده^۱ افراد اندازه‌گیری می‌کند. به عبارت دیگر، اقتصاددانان بیشتر به آنچه افراد انجام می‌دهند می‌نگرند نه به آنچه آن‌ها می‌گویند (دی‌تلا^۲ و مک کالو، ۲۰۰۶). اما، روان‌شناسی روش علمی متفاوتی دارد. کاربرد مطالعات آماری مرتبط با گزارش افراد از رفاه سابقه‌ای دیرینه در این علم دارد، در حالی که کاربرد این‌گونه داده‌ها به‌تازگی در میان اقتصاددانان رواج یافته است.

اقتصاددانان و فلاسفه دوره‌های گذشته، از ارسطو تا اسمیت، در پژوهش‌های خود به مطالعه پدیده شادکامی، به منزله یکی از اهداف زندگی انسان‌ها، پرداخته‌اند؛ اما، با گسترش جنبه‌های کمی و ریاضی در اقتصاد، تعاریف مختصر و جزئی‌تری از رفاه در میان اقتصاددانان رایج شد؛ و این‌گونه فرض شد که مطلوبیت فقط به درآمدی بستگی دارد که از طریق انتخاب‌ها و ترجیحات فرد در محدوده بودجه انسان عقلایی به مصرف وی تبدیل می‌شود (گراهام، ۲۰۰۹). این در حالی است که حتی در چارچوب اقتصاد ارتدکس نیز تمرکز صرف بر درآمد به نادیده‌گرفتن جنبه‌های مهمی از رفاه منجر خواهد شد. افراد ترجیحات مختلفی بر کالاهای مادی و غیرمادی دارند، مثلاً ممکن است افراد کاری با درآمد کمتر ولی شأن اجتماعی بالاتر را به کاری با درآمد بیشتر ولی بدون شأن اجتماعی بالا ترجیح دهند. نظیر این‌گونه رفتارها چندان با چارچوب حداکثرسازی مطلوبیت مورد نظر اقتصاد نئوکلاسیک منطبق نیست (گراهام، ۲۰۰۹).

ریچارد استرلین نخستین اقتصاددان مدرنی است که در اوایل دهه ۷۰ مفهوم شادکامی را بازنگری کرد. از اواخر دهه ۹۰ نیز اقتصاددانان به طور جدی و در سطحی گسترده به مطالعه این مفهوم و نیز ارتباط آن با متغیرهای مهمی نظیر درآمد، متغیرهای اجتماعی و جمعیتی، و متغیرهای کلان اقتصادی نظیر بیکاری و تورم، مذهب، نظام‌های سیاسی، و کیفیت کالاهای عمومی پرداخته‌اند. اقتصاددانان اگرچه نخست به این رویکرد بدگمان بودند، به تدریج این رویکرد جایگاه خود را در جریان اصلی علم اقتصاد پیدا کرد و امروزه رویکردی بسیار رایج به‌شمار می‌رود. کاربرد داده‌های رضایت از زندگی بر این مبنا استوار است که داده‌های به‌دست‌آمده

1. Expressed preferences
2. Di Tella & MacCulloch

از پرسش‌نامه‌ها، علاوه بر معتبر و قابل‌اعتماد بودن (کانمن^۱ و کروگر^۲، ۲۰۰۶؛ کروگر و اشکادو^۳، ۲۰۰۸)، بین افراد هم مقایسه‌شدنی است (دی‌تلا و مک کالو، ۲۰۰۶). در واقع، پاسخ به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه‌ها تا حد قابل‌قبولی رفاه حقیقی پاسخ‌دهندگان را منعکس می‌سازد. همچنین، این پاسخ‌ها بین جوامع گوناگون مقایسه‌شدنی است.

بخش بزرگی از مطالعات اقتصاددانان در زمینه رفاه ذهنی درباره چگونگی رابطه رفاه ذهنی با رشد اقتصادی بوده است. در واقع، سؤال اصلی آن‌ها این است که آیا افزایش درآمد باعث افزایش شاخص‌های رفاه ذهنی شده است یا خیر؟ این سؤال از دو منظر بررسی شده است: ۱. سری زمانی؛ ۲. داده‌های مقطعی.

در سطح یک کشور، مطالعات انجام‌یافته حکایت دارد از بیشتر بودن رفاه ذهنی افراد با درآمد بالا در مقایسه با افراد با درآمد پایین. اما، در طول زمان افزایش درآمد همه افراد لزوماً به افزایش شادکامی آن‌ها منجر نشده است (استرلین، ۱۹۷۴، ۱۹۹۵؛ اوزوالد^۴، ۱۹۹۷؛ بلنچفلور^۵ و اوزوالد، ۲۰۰۴). این مسئله به معمای شادکامی^۶ یا معمای استرلین^۷ شهرت یافته است. در واقع، پس از رسیدن به سطح مشخصی از درآمد یا به عبارتی تأمین نیازهای اساسی افراد، آثار ناشی از رشد درآمد بر شادکامی بسیار کم‌رنگ می‌شود یا حتی معناداری خود را از دست می‌دهد. ریچارد استرلین (۱۹۷۴) بر اساس داده‌های کشور آمریکا بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۷۰ اولین مشاهده را در این زمینه ارائه کرد. وی در سطح داده‌های مقطعی رابطه‌ای مثبت بین درآمد و شادکامی گزارش کرد. اما، در طول دوره مورد بررسی، به‌رغم رشد چشمگیر درآمد سرانه، میانگین شادکامی تقریباً ثابت مانده است. به عبارت دیگر، رابطه ضعیفی بین این دو متغیر در طول زمان مشاهده شده است. استرلین (۱۹۹۵)، بار دیگر، با استفاده از داده‌های متفاوت برای سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۰ نتیجه مشابهی گزارش کرد. طبق گزارش بلنچفلور و اوزوالد (۲۰۰۴) نیز، به‌رغم رشد اقتصادی مستمر، شادکامی در انگلیس ثابت مانده و در آمریکا اندکی کاهش یافته است.

-
1. Kahneman
 2. Krueger
 3. Schkade
 4. Oswald
 5. Blanchflower
 6. happiness paradox
 7. Esterlin Paradox

یکی از معروف‌ترین توضیحات ارائه‌شده درباره‌ی معمای استرلین این است که شادکامی افراد به جایگاه نسبی درآمد افراد در جامعه بستگی دارد. به عبارت دیگر، شادکامی، علاوه بر سطح مصرف حاصل از درآمد، به جایگاه نسبی فرد نسبت به سایر افراد اجتماع وابسته است (استرلین، ۱۹۷۴، ۱۹۹۵؛ دی‌تلا و مک‌کولا، ۲۰۰۶؛ کلارک^۱ و دیگران، ۲۰۰۸).

۲.۲. عوامل فردی مؤثر بر رفاه ذهنی

پرسش‌نامه‌های رفاه ذهنی، علاوه بر ارزیابی افراد درباره‌ی رفاه خود، شامل اطلاعاتی است پیرامون درآمد، سن، سلامتی، تأهل، وضعیت اشتغال، میزان اعتماد به حکومت، اعتقادات مذهبی، گرایش‌های سیاسی، تحصیلات، و ... این اطلاعات و ارتباط آن‌ها با شادکامی موضوع پژوهش‌های بسیاری بوده است. در مطالعه‌ی حاضر نیز بررسی عوامل مشخصه‌ی شادکامی در جوامع مورد بررسی، به‌ویژه ایران، به عنوان هدف میانی مطرح است.

کارل گراهام (۲۰۰۹) به مرور مطالعات انجام‌شده پیرامون عوامل مشخصه‌ی شادکامی در نقاط مختلف جهان پرداخت. اکثر مطالعات انجام‌یافته در این زمینه به کشورهای اروپایی و آمریکا اختصاص دارد؛ اگرچه گراهام به مطالعاتی در حوزه‌ی آمریکای لاتین، روسیه، آفریقا، آسیای مرکزی و افغانستان هم اشاره می‌کند. یافته‌های گراهام، به طور خلاصه، از سازگاری شمار درخور توجهی از متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی مؤثر در تعیین شادکامی بین جوامع مختلف حکایت می‌کند. تفاوت میان عوامل مشخصه‌ی شادکامی در مناطق مختلف بیشتر به زیرساخت‌های اقتصادی و تفاوت ساختار بازار کار و آموزش مربوط می‌شود.

در مقایسه‌ی بین کشوری، درآمد رابطه‌ی مثبتی با شادکامی دارد. به طور میانگین، کشورهایی که سطح درآمد بالایی دارند از شادکامی بسیار زیادی برخوردارند. در طول زمان نیز می‌توان رابطه‌ی را مشاهده کرد. کشورهای خیلی فقیر هنگامی که شروع می‌کنند به ثروتمند شدن به شادکامی بیشتری دست می‌یابند. اما، میزان این افزایش شادکامی با نزدیک شدن به سطوح بالاتر درآمد کاهش می‌یابد. اگرچه در میان این

1. Clark

روندهای کلی استثنائات زیادی هم مشاهده می‌شود، مثلاً کشور بسیار فقیری نظیر نیجریه با سطح بالای شادکامی یا کشور ثروتمندی مانند ژاپن با سطح پایین شادکامی قابل شناسایی است. اما، آنچه مد نظر محققان این مطالعه است یافتن عوامل مشخصه شادکامی در سطوح ملی است. در این سطح، همه مطالعات اقتصاد شادکامی نشان می‌دهد که ثروتمندان، نسبت به فقرا، در یک کشور (به طور میانگین) شادترند. از عوامل دیگری که به طور کلی در جوامع مختلف در مورد اثر آن‌ها سازگاری وجود دارد سن، وضعیت تأهل، بیکاری شخصی، و سلامت است. به طور کلی، در مورد سن رابطه‌ای به شکل یو گزارش شده که نقطه حداقل آن حدود چهل سالگی است. به طور کلی، ازدواج در افزایش شادکامی مؤثر است؛ بیکاری باعث کاهش و سلامت فردی باعث افزایش شدید شادکامی می‌شود. اما، راجع به تأثیر متغیرهایی نظیر جنسیت و آموزش و نیز اثر انواع مختلف مشاغل بر شادکامی افراد در جوامع مختلف سازگاری وجود ندارد. احتمالاً، این ناسازگاری‌ها ناشی از گوناگونی زیرساخت‌های اجتماعی در جوامع مختلف است. تفاوت حقوق زن و مرد در جوامع مختلف، تفاوت بازدهی آموزش، و نیز تفاوت در پایداری مشاغل از نوع خوداشتغالی یا استخدامی در کشورهای مختلف بر چگونگی اثر عوامل ذکر شده بر شادکامی مردم آن کشورها مؤثر است.

۳.۲. اثر بیکاری و تورم بر رفاه ذهنی

در زمینه بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی، به‌ویژه تورم و بیکاری، بر شاخص‌های رفاه ذهنی مردم مطالعات گوناگونی انجام یافته است (مثلاً دی‌تلا، مک‌کولا و اوزوالد، ۲۰۰۱؛ ولفرز^۱، ۲۰۰۳؛ بلنچفلاور، ۲۰۰۷؛ دی‌تلا و مک‌کولا، ۲۰۰۷). وجه مشترک این مطالعات کاربرد داده‌های کشورهای توسعه‌یافته است.

ولفرز (۲۰۰۳) با کاربرد داده‌های شانزده کشور اروپایی در میان سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۸ مدلی را اجرا کرد که در آن داده‌های مربوط به شادکامی افراد متغیر وابسته‌اند و متغیرهای تورم و بیکاری متغیرهای مستقل‌اند. طبق یافته‌های ولفرز، تورم و بیکاری، هر دو، باعث کاهش شادکامی می‌شوند. روش محاسباتی مورد استفاده ولفرز پروبیت

1. Wolfers

ترتیبی^۱ بود. طبق محاسبات ولفرز، یک درصد افزایش نرخ بیکاری، در مقایسه با یک درصد افزایش نرخ تورم، موجب کاهش بیشتر شادکامی خواهد شد.

دی‌تلا، مک‌کولا و اوزوالد (۲۰۰۱) نیز با کاربرد داده‌های دوازده کشور اروپایی بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۱ و با کاربرد روشی دومرحله‌ای به نتیجه یکسانی دست یافتند: در مرحله اول، در سطح داده‌های خرد و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی^۲ رضایت از زندگی برای هر کشور جداگانه تخمین زده شده است. پسماند هر یک از این رگرسیون‌ها برای هر کشور و در هر زمان به عنوان جزء توضیح داده نشده رضایت از زندگی با عوامل خرد به عنوان متغیر وابسته مرحله بعد استفاده می‌شود. در مرحله دوم رگرسیونی به شکل رابطه ۱ استفاده شده است:

$$[\text{LIFESATISFACTION}]_{it} = [\alpha \text{INF}]_{it} + [\beta \text{UNEMP}]_{it} + \epsilon_{it} + \delta_{it} + \mu_{it} \quad (1)$$

متغیر وابسته مدل فوق میانگین رضایت از زندگی توضیح داده نشده با متغیرهای شخصی برای هر کشور و در هر زمان است؛ متغیرهای توضیحی مدل هم بیکاری و تورم هر کشور برای هر زمان است. آثار ثابت مکانی و زمانی هم در مدل وارد شده است. متغیر رضایت از زندگی، که از پرسش نامه استخراج می‌شود، ماهیتی کیفی دارد. افراد به سؤال «به طور کلی، شما از زندگی خود بسیار راضی، تا حدی راضی، نه‌چندان راضی، یا اساساً ناراضی هستید؟» پاسخ داده‌اند. در این پژوهش نویسندگان عدد ۱ را به پاسخ اساساً ناراضی و عدد ۴ را به پاسخ بسیار راضی اختصاص داده‌اند. ولفرز (۲۰۰۳) به این روش مواجهه با داده‌های کیفی انتقاد کرده است.

ولفرز در مقاله خود- با توجه به اینکه برخلاف آنچه بعضاً در کتاب‌های درسی یوتیل نامیده می‌شود، برای داده‌های شادکامی واحد طبیعی وجود ندارد- علاوه بر روش دی‌تلا، سه روش دیگر را به کار گرفته است: ۱. در هر سال نسبتی از جمعیت آماری در هر کشور را، که به سؤال رضایت از زندگی پاسخ بسیار راضی داده‌اند، به عنوان عدد متغیر منظور می‌کند؛ ۲. به عنوان پیشنهاد جایگزین دوم، روشی دومرحله‌ای پیشنهاد می‌کند: در مرحله اول، رگرسیون پروبیت ترتیبی را روی مجموعه کاملی از متغیرهای

-
1. Ordered probit
 2. Ordinary Least Square (OLS)

صفر و یکی برای هر کشور و هر زمان اجرا می‌کند. تحت این فرض که متغیر رفاه ذهنی متغیری مشاهده‌ناپذیر با توزیع نرمال در هر زمان و هر کشور است. این روش، با استفاده از رویکرد حداکثر راست‌نمایی^۱، نقاط شکستی را برای کل توزیع مشخص می‌کند و داده‌ها را بین دسته‌های مختلف توزیع می‌نماید. این کار به داده‌ها ماهیتی عددی می‌دهد. اثر ثابت زمان و کشور باعث حرکت میانگین توزیع مفروض برای هر کشور در طول زمان می‌شود؛^۳ در این روش، صرفاً یک مدل رگرسیون پروبیت ترتیبی روی داده‌های خرد تخمین زده می‌شود و مجموعه‌ای از ثابت‌های زمانی و مکانی به عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته می‌شوند.

مرحله اول در روش مورد استفاده دی‌تلا اگرچه برای مطالعه وی مرحله‌ای فرعی است، از سؤالات مورد علاقه پژوهشگران حوزه اقتصاد شادکامی به‌شمار می‌رود. این بخش از ادبیات با عنوان «عوامل مشخصه شادکامی» برای جوامع مختلف و از جنبه‌های گوناگون بررسی شده است. بدین جهت، محققان مطالعه حاضر نیز در مقاله جداگانه‌ای (نیلی و بابازاده خراسانی، ۱۳۹۱) به تحلیل این موضوع برای داده‌های ایران پرداخته‌اند. دی‌تلا و مک‌کولا (۲۰۰۷) مجدداً سؤال مورد نظر را بررسی کردند و به نتایج مشابهی مانند دو مطالعه‌ای که پیش از این به آن‌ها اشاره شد دست یافتند. روش مورد استفاده آن‌ها پروبیت ترتیبی بوده و مدل مورد استفاده آن‌ها به شکل رابطه ۲ است:

$$\begin{aligned} [LIFESATISFACTION]_{ntj} = & [\alpha UNEMP]_{nt} + [\beta INF]_{nt} + \\ & \delta \Omega_{ntj} + \gamma_n + \eta_t + \mu_{ntj} \end{aligned} \quad (2)$$

Ω_{ntj} برداری از متغیرهای شخصی افراد است، مانند وضعیت اشتغال فرد (شامل حالات خوداشتغالی، بازنشسته، خانه‌دار، محصل)، وضعیت درآمد، وضعیت تأهل، جنسیت، سن، مربع سن، و ... در این پژوهش، در بردار ویژگی‌های شخصی، متغیرهای کلانی نظیر درآمد سرانه یا متوسط ساعات اشتغال در کشور به عنوان متغیرهای کنترل وارد شده است. اثرات ثابت کشور و زمان هم در مدل وجود دارد. مدل مورد استفاده ترکیبی از داده‌های خرد و کلان است.

1. maximum likelihood

۳. داده‌های تحقیق

در این تحقیق از دو دسته داده استفاده شده است: ۱. سطح خرد؛ ۲. سطح کلان. در سطح خرد از اطلاعاتی همچون رفاه ذهنی (رضایتمندی افراد از زندگی)، سطح درآمد، وضعیت سلامتی، سن، جنسیت، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل برای بیش از ۹۵ هزار نفر در ۴۴ کشور در حال توسعه (شامل ایران) استفاده شده است. در سطح کلان نیز از داده‌های متغیرهای کلان اقتصادی نظیر درآمد سرانه، نرخ تورم، و نرخ بیکاری کل استفاده شده است. در این بخش، نخست به معرفی منابع داده‌های مورد استفاده می‌پردازیم. سپس، توصیفی از داده‌ها ارائه خواهیم کرد.

همچون بسیاری از مطالعات اقتصاد شادکامی، رفاه ذهنی را بر اساس شاخص رضایت از زندگی تفسیر و مدل خواهیم کرد. شاخص رضایت از زندگی در بانک اطلاعاتی محققان این مطالعه پاسخ افراد به سؤال «با در نظر گرفتن همه چیز، در حال حاضر، تا چه حد از زندگی خود راضی هستید؟» است. افراد در پاسخ به سؤال مذکور عددی بین ۱ تا ۱۰ را انتخاب کرده‌اند. عدد ۱ بیانگر نارضایتی کامل و عدد ۱۰ بیانگر رضایت کامل است.

۱.۳. منابع داده‌های مورد استفاده

در سطح کلان داده‌های مورد نیاز (درآمد سرانه به قیمت ثابت و بر اساس برابری قدرت خرید، نرخ تورم بر اساس شاخص قیمتی مصرف‌کننده، و نرخ بیکاری کل) از بانک اطلاعاتی بانک جهانی^۱ استخراج شد.

داده‌های سطح خرد مورد نیاز در این تحقیق از بانک اطلاعاتی مؤسسه بررسی ارزش‌های جهان^۲ استخراج شد. مؤسسه مذکور مؤسسه‌ای غیرانتفاعی و متشکل از شبکه‌ای از پژوهشگران علوم اجتماعی است. این مؤسسه با هدف کمک به پژوهشگران علوم اجتماعی مختلف و نیز سیاست‌گذاران کشورهای مختلف در درک بهتر نگرش‌های ارزشی گوناگون موجود در سطح جهان به فعالیت مشغول است. مقرر اصلی مؤسسه در استکهلم سوئد است. این مؤسسه داده‌های مرتبط با ویژگی‌های شخصی، اجتماعی،

1. www.databank.worldbank.org

2. World Values Survey (WVS) (www.worldvaluessurvey.org)

دیدگاه‌های اجتماعی-سیاسی، و رفاه ذهنی مرتبط با کشورهای مختلف را منتشر می‌کند. داده‌های این مؤسسه بر مبنای پنج موج پیمایش، که مجموعاً در بیش از ۸۰ کشور جهان صورت گرفته، استخراج شده است. جدول ۱ دوره‌های زمانی این پنج موج، تعداد کشورهای مورد بررسی در هر موج، جمعیت کل کشورهای نمونه‌گیری شده، و نیز حجم کل نمونه را نشان می‌دهد. در هر موج پیمایش، هر کشور حاضر در این موج فقط یک بار در یکی از سال‌های دوره زمانی پیمایش آمارگیری شده است.

مزیت مهم بانک اطلاعاتی مذکور، در مقایسه با کارهای مشابه، گستردگی آن در سطح جهان و تنوع کشورهای مورد بررسی است. ایران در بین کشورهای پیمایش شده در موج چهارم و پنجم حضور دارد. این داده‌ها مربوط به سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ است. در هر سال بالغ بر ۲۵۰۰ نفر از مناطق مختلف کشور و با سنین مختلف به سؤالات مورد نظر پاسخ داده‌اند. در نمونه‌گیری‌ها تا حد امکان سعی شده نمونه‌ها معرف کل جامعه باشند. روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه چهره به چهره است. داده‌های این مؤسسه از طریق سایت رسمی آن با خروجی نرم‌افزارهای مختلف، از جمله STATA، قابل دسترسی است. اطلاعات خرد مورد نیاز در این تحقیق همگی در خروجی مورد اشاره حضور داشته است.

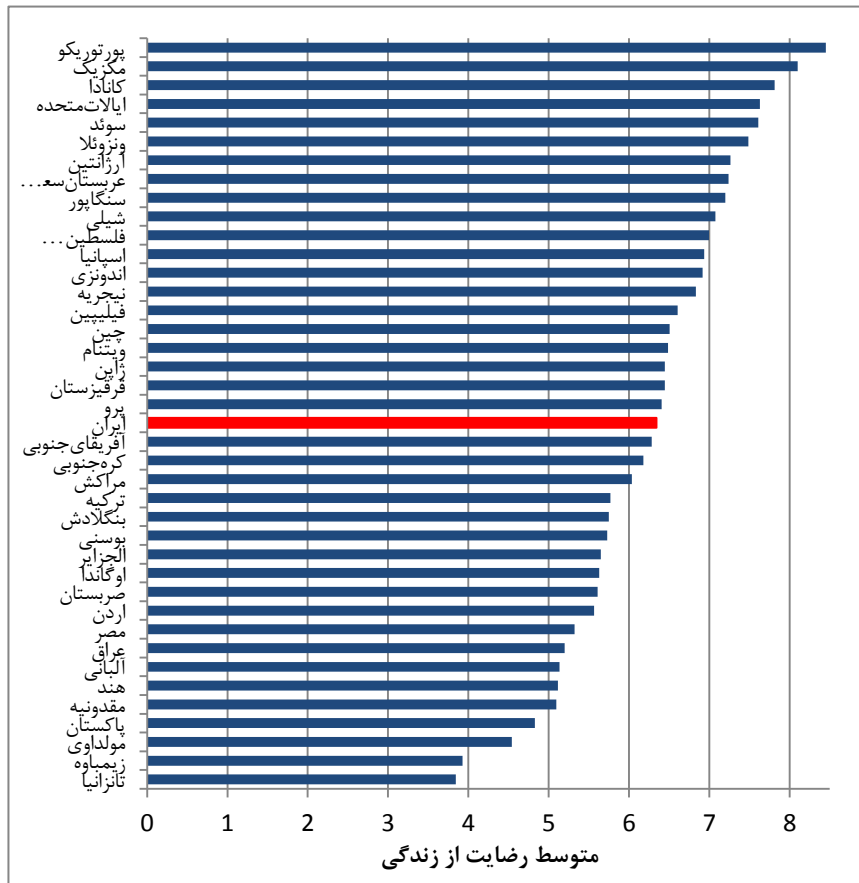
جدول ۱. مشخصات بانک اطلاعاتی WVS

موج	دوره زمانی	تعداد کشورها	جمعیت کشورها (میلیارد نفر)	حجم نمونه (هزار نفر)
۱	۱۹۸۱ - ۱۹۸۴	۲۰	۴/۷	۲۵
۲	۱۹۸۹ - ۱۹۹۳	۴۲	۵/۳	۶۱
۳	۱۹۹۴ - ۱۹۹۸	۵۲	۵/۷	۷۵
۴	۱۹۹۹ - ۲۰۰۴	۶۷	۶/۱	۹۶
۵	۲۰۰۵ - ۲۰۰۸	۵۴	۶/۷	۷۷

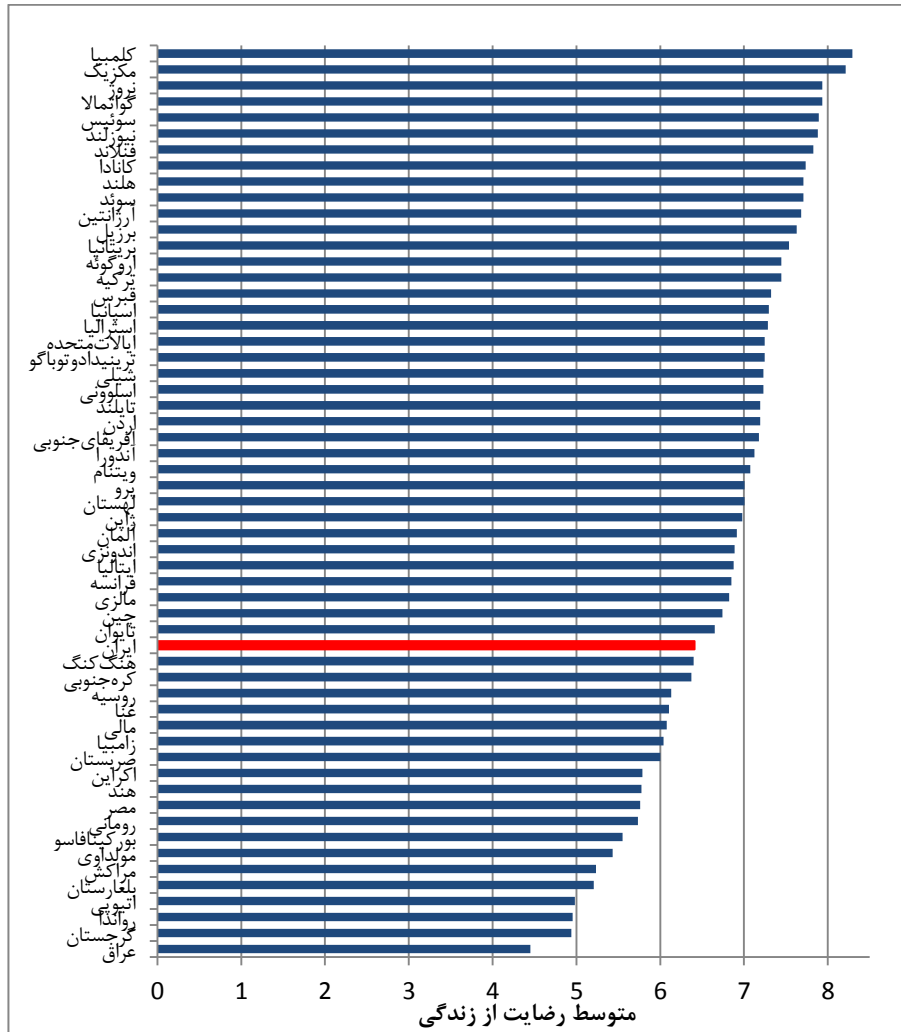
۲.۳. توصیف داده‌ها

همان‌گونه که کشورها بر اساس معیارهایی نظیر درآمد سرانه رتبه‌بندی می‌شوند، بر اساس شاخص‌های رفاه ذهنی نیز می‌توان رتبه‌بندی مشابهی ارائه داد. شکل‌های ۱ و ۲

به ترتیب رتبه‌بندی شاخص رضایت از زندگی بر مبنای بانک اطلاعاتی مورد استفاده در این پژوهش و برای موج چهارم و پنجم را نشان می‌دهد.



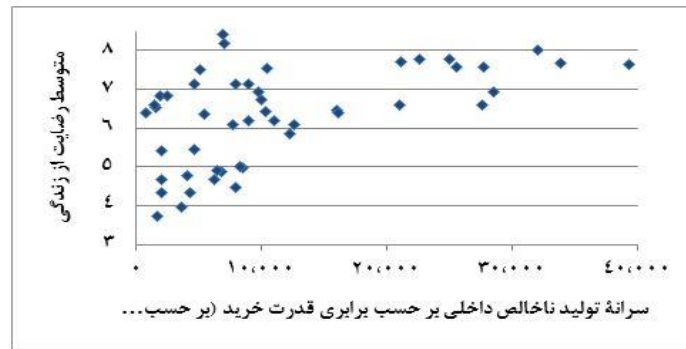
شکل ۱. رتبه‌بندی کشورها بر مبنای شاخص رضایت از زندگی، موج چهارم پیمایش (۱۹۹۹ - ۲۰۰۴)



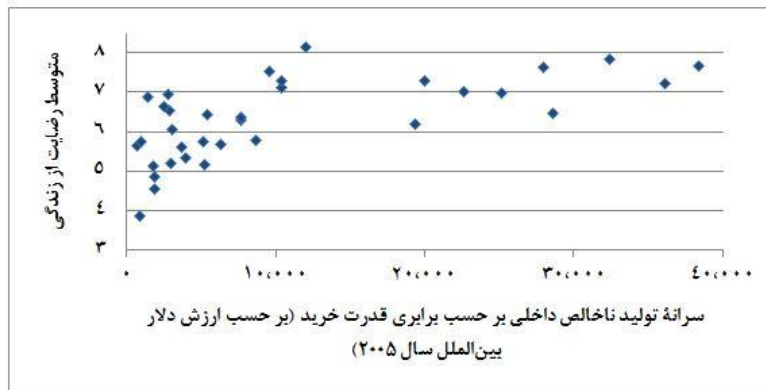
شکل ۲. رتبه‌بندی کشورهای بر مبنای شاخص رضایت از زندگی، موج پنجم پیمایش (۲۰۰۵ - ۲۰۰۸)

در این پژوهش به دنبال یافتن چگونگی اثرگذاری متغیرهای کلان اقتصادی بر رفاه ذهنی مردم در کشورهای در حال توسعه‌ایم. در این بخش به توصیف روابط بین درآمد سرانه، تورم، و بیکاری کل با رفاه ذهنی در جوامع مورد نظر می‌پردازیم. همان‌گونه که در بخش ادبیات موضوع توضیح داده شد، در مقایسه بین کشوری،

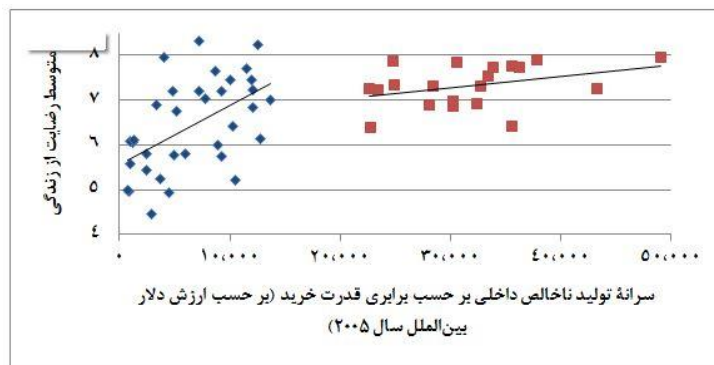
رفاه، رابطه مثبتی با درآمد سرانه دارد، اگرچه، حداقل، در کشورهای پیشرفته رشد درآمد سرانه موجب رشد رفاه نمی‌شود. شکل‌های ۳ تا ۵ رابطه درآمد سرانه و میانگین رضایت از زندگی برای موج‌های سوم، چهارم، و پنجم پیمایش‌های موجود در بانک داده را نشان می‌دهد. در این شکل‌ها محور عمودی بیانگر میانگین رضایت از زندگی مصاحبه‌شوندگان در هر کشور برای هر دوره پیمایش و محور افقی بیانگر درآمد سرانه بر اساس قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۵ و شاخص برابری قدرت خرید است.



شکل ۳. رابطه درآمد سرانه و شاخص رضایت از زندگی، موج سوم پیمایش (۱۹۹۴ - ۱۹۹۸)



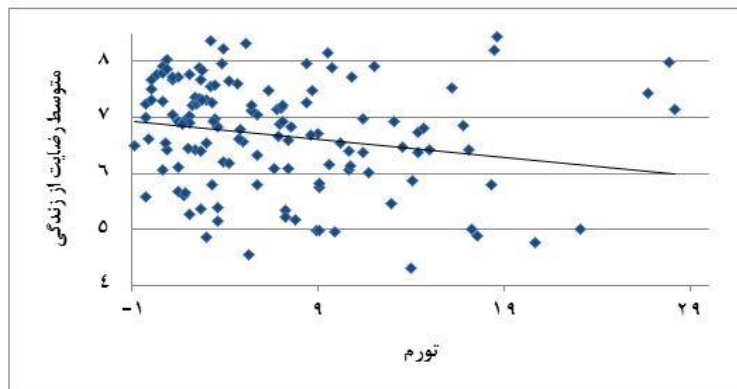
شکل ۴. رابطه درآمد سرانه و شاخص رضایت از زندگی، موج چهارم پیمایش (۱۹۹۹ - ۲۰۰۴)



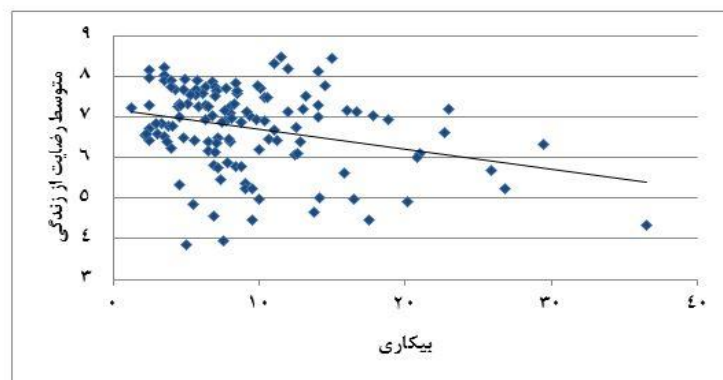
شکل ۵. رابطه درآمد سرانه و شاخص رضایت از زندگی، موج پنجم پیمایش (۲۰۰۵ - ۲۰۰۸)

در شکل‌های ۳ تا ۵ رابطه‌ای مقعر میان درآمد سرانه و رفاه ذهنی در مقایسه بین کشوری و در مقاطع زمانی خاص قابل تشخیص است. شکل ۵ برازش‌های جداگانه‌ای را برای نمونه‌هایی که درآمد سرانه آن‌ها زیر ۲۰۰۰۰ دلار (بر مبنای قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۵ و شاخص برابری قدرت خرید) و بالای آن بوده نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شیب خطوط برازش‌شده با هم متفاوت است. تمرکز محققان پژوهش حاضر در سطح متغیرهای کلان تأثیرگذار بر رفاه بر داده‌های کشورهای سمت چپ شکل (کشورهایی با درآمد سرانه کمتر از ۲۰۰۰۰ دلار در سال) بوده است.

همچنین، از شکل‌ها این‌گونه برمی‌آید که کشورهای سمت راست به‌طور میانگین رضایت بیشتری دارند. میانگین رضایت از زندگی برای مجموع داده‌های کشورهای حاضر در بانک اطلاعاتی مورد استفاده در این پژوهش، که درآمد سرانه کمتر از ۲۰۰۰۰ دلار داشته‌اند، برابر ۶/۴۰ و برای سایر کشورها برابر ۷/۲۸ بوده است. در سطح داده‌های خام، بین میانگین شاخص رضایت از زندگی و شاخص‌های تورم و نرخ بیکاری رابطه منفی وجود دارد. شکل ۶ رابطه میانگین شاخص رضایت از زندگی برای هر کشور و در هر زمان را در برابر تورم آن کشور در سال اجرای نمونه‌گیری نشان می‌دهد. در واقع، برای هر کشور به تعداد سال‌های حضور در بانک داده زوج مرتب تورم و میانگین رضایت از زندگی رسم شده است. شکل ۷ نیز رابطه نرخ بیکاری با شاخص رضایت از زندگی را نشان می‌دهد.



شکل ۶. رابطه تورم و رضایت از زندگی



شکل ۷. رابطه نرخ بیکاری و رضایت از زندگی

ادبیات اقتصاد شادکامی از تأثیر منفی متغیرهای نرخ بیکاری و نرخ تورم بر رفاه ذهنی در کشورهای توسعه یافته حکایت دارد (دی‌تلا و دیگران، ۲۰۰۱؛ ولفرز، ۲۰۰۳؛ دی‌تلا و دیگران، ۲۰۰۷). این پژوهش در امتداد مطالعات موجود سعی می‌کند سؤال مورد بررسی آن‌ها را در سطح گسترده‌تری از کشورها بررسی کند. تمرکز این پژوهش، برخلاف مطالعات ذکر شده، بر داده‌های کشورهای در حال توسعه است. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش اگرچه از حیث سری زمانی، از داده‌های مطالعات مذکور، وسعت کمتری دارد و شامل دوره‌های زمانی کمتری است، می‌تواند نتیجه به‌دست‌آمده در آن‌ها را به گروه گسترده‌تری از

کشورها تعمیم دهد. کشورها و سال‌هایی که در آن‌ها داده جمع‌آوری شده است عبارت‌اند از: آرژانتین (۱۹۸۴، ۱۹۹۱، ۱۹۹۵، ۱۹۹۹، ۲۰۰۶)؛ ارمنستان (۱۹۹۷)؛ الجزایر (۲۰۰۲)؛ برزیل (۱۹۹۷، ۲۰۰۶)؛ بلغارستان (۱۹۹۷، ۲۰۰۶)؛ چین (۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۱، ۲۰۰۷)؛ کلمبیا (۱۹۹۷، ۲۰۰۵)؛ اندونزی (۲۰۰۱، ۲۰۰۶)؛ ایران (۲۰۰۰، ۲۰۰۵)؛ اردن (۲۰۰۱)، ۲۰۰۷)؛ مولداوی (۲۰۰۲، ۲۰۰۶)؛ مراکش (۲۰۰۱، ۲۰۰۷)؛ پرو (۱۹۹۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۸)؛ فیلیپین (۱۹۹۶، ۲۰۰۱)؛ لهستان (۱۹۹۷، ۲۰۰۵)؛ رومانی (۱۹۹۸، ۲۰۰۵)؛ اسلوانی (۱۹۹۵، ۲۰۰۵)؛ آفریقای جنوبی (۱۹۹۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۷)؛ ترکیه (۱۹۹۰، ۱۹۹۶، ۲۰۰۱)؛ ۲۰۰۷)؛ اوکراین (۱۹۹۶، ۲۰۰۶)؛ مصر (۲۰۰۰، ۲۰۰۸)؛ اروگوئه (۱۹۹۶، ۲۰۰۶)؛ ونزوئلا (۱۹۹۶، ۲۰۰۰)؛ کره جنوبی (۱۹۸۲، ۱۹۹۰، ۱۹۹۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۵)؛ اسلواکی (۱۹۹۸)؛ روسیه (۱۹۹۵، ۲۰۰۶)؛ پاکستان (۱۹۹۷، ۲۰۰۱)؛ مکزیک (۱۹۹۰، ۱۹۹۶، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵)؛ لتونی (۱۹۹۷)؛ لیتوانی (۱۹۹۶)؛ هند (۱۹۹۵، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶)؛ بنگلادش (۱۹۹۶، ۲۰۰۲)؛ تانزانیا (۲۰۰۱)؛ گرجستان (۱۹۹۶، ۲۰۰۸)؛ هنگ‌کنگ (۲۰۰۵)؛ مالزی (۲۰۰۶)؛ تایلند (۲۰۰۷)؛ ترینیداد و توباگو (۲۰۰۶)؛ صربستان و مونته‌نگرو (۲۰۰۶)؛ مجارستان (۱۹۹۸)؛ استونی (۱۹۹۶)؛ السالوادور (۱۹۹۹)؛ دومینیک (۱۹۹۶)؛ کرواسی (۱۹۹۶).

در بخش بعد، برای بررسی اثرگذاری متغیرهای کلان بر رفاه ذهنی، با استفاده از داده‌های خرد کشورهای یادشده در سال‌های مذکور، مدل تحقیق معرفی و تخمین زده خواهد شد. همچنین، با تخمین مذکور، چگونگی ترجیحات مردم روی متغیرهای بیکاری و تورم و نسبت آن دو در تابع رفاه اجتماعی بررسی خواهد شد.

۴. مدل تحقیق

در این تحقیق، همچون سایر مطالعات (دی‌تلا و دیگران، ۲۰۰۱؛ دی‌تلا و دیگران، ۲۰۰۷؛ ولفرز، ۲۰۰۳؛ بلنچفلور، ۲۰۰۷)، فرض می‌شود رضایت از زندگی افراد از دو دسته متغیر—متغیرهای سطح خرد و سطح کلان—متأثر است. در سطح خرد فرض می‌شود که متغیرهای اقتصادی نظیر درآمد و وضعیت اشتغال و متغیرهای غیراقتصادی مانند سلامت، سن، وضعیت تأهل، و مذهبی بودن بر سطح رضایت افراد از زندگی تأثیر گذارند. در سطح کلان نیز فرض می‌شود متغیرهای درآمد سرانه، تورم، و نرخ بیکاری کل بر رفاه ذهنی افراد تأثیر گذارند.

در این مرحله، با هدف پاسخ به دو سؤال اساسی- با در نظر گرفتن اثر متغیرهای سطح خرد، آیا رضایت از زندگی در کشورهای حال توسعه از متغیرهای کلان اقتصادی (نرخ تورم و نرخ بیکاری کل) نیز اثرپذیر است؟ و، در صورت اثرپذیری رفاه از این دو متغیر، بده‌بستان این دو چگونه است؟- مدل به صورت رابطه ۳ تخمین زده شده است:

$$\begin{aligned} [SWB]_{ntj} = & [\alpha GDP]_{nt} + [\beta Inf]_{nt} + \theta Unem_{nt} \\ & + \delta \Psi_{ntj} + \gamma_n + \delta_t + \mu_{ntj} \end{aligned} \quad (3)$$

متغیر وابسته مدل (رابطه ۳)، همانند مدل قبل (رابطه ۲)، شاخص رضایت از زندگی است. این مدل برای داده‌های کشورهای در حال توسعه، که در بانک اطلاعاتی مورد استفاده در این پژوهش وجود دارند، تخمین زده می‌شود. پیمایش مورد نظر برای کشورهای گوناگون در سال‌های مختلفی انجام شده است. SWB_{ntj} بیانگر رفاه ذهنی (رضایت از زندگی) فرد j در سال t و در کشور n است. $ntGDP$ درآمد سرانه کشور n در سال t است. حضور این متغیر از جهات مختلف توجیه‌پذیر است. ورود درآمد سرانه مدل را برای مقایسه درآمد بین کشورها و بین زمان‌ها توانمند می‌کند. متغیر درآمد افراد، که در متغیرهای توضیحی سطح خرد (Ψ) وجود دارد، فقط می‌تواند درآمد افراد حاضر در یک مقطع خاص از زمان و مکان را با یکدیگر مقایسه کند. همان‌گونه که پیش از این توضیح داده شد، متغیر درآمد بسته به درآمد خانوار فرد و درآمدهای رایج در کشور وی عددی بین ۱ تا ۱۰ را به او تخصیص می‌دهد. همچنین، درآمد سرانه می‌تواند نماینده میزان دسترسی افراد به کالاهای عمومی باشد. Inf_{nt} بیانگر تورم (بر مبنای شاخص قیمت مصرف‌کننده) کشور n در سال t است. $Unemp_{nt}$ نیز بیانگر نرخ بیکاری کل کشور n در سال t است.

Ψ برداری از متغیرهای سطح خرد است. متغیرهای سطح خرد این مدل عبارت‌اند از: درآمد فرد، وضعیت شغلی، جنسیت، وضعیت سلامت، وضعیت تأهل، سن و مجذور آن، و مذهبی بودن. جزئیات اندازه‌گیری این متغیرها مشابه مطالعه نیلی و بابازاده (۱۳۹۲) است.

γ_n بیانگر اثر ثابت کشوری و δ_t نیز بیانگر اثر ثابت سال است. μ_{ntj} نیز بیانگر جزء اخلال مدل است. این مدل با استفاده از رویکرد پروبیت ترتیبی تخمین زده شده است. نتایج تخمین مدل فوق در بخش بعد گزارش خواهد شد.

نتایج

در این بخش، با استفاده از تخمین مدل ۳ (رابطه ۳) و با استفاده از داده‌های ۴۴ کشور در حال توسعه، با در نظر گرفتن اثر عوامل خرد، آثار متغیرهای تورم و نرخ بیکاری کل بر رفاه ذهنی مردم این کشورها تحلیل خواهد شد. علاوه بر آن، اهمیت نسبی این دو متغیر در تعیین رفاه مردم این کشورها نیز تحلیل خواهد شد.

دی‌تلا و دیگران (۲۰۰۱) نشان دادند که شادکامی افراد با کاهش میزان تورم و بیکاری افزایش می‌یابد. همچنین، همان‌گونه که ذکر شد، در مقایسه بین کشوری، رفاه رابطه مثبتی با درآمد سرانه دارد، اگرچه رشد درآمد سرانه، حداقل، در کشورهای پیشرفته موجب رشد رفاه نمی‌شود. در پژوهش حاضر، با تکیه بر داده‌های خرد، سطح وسیعی از کشورها و با تمرکز بر کشورهایی که به گروه کشورهای توسعه‌یافته تعلق ندارند عوامل کلان تعیین‌کننده رفاه بررسی شد.

همان‌گونه که در پیوست گزارش شده است، با تخمین مدل ۳ برای کشورهای که درآمد سرانه آن‌ها در سال ۲۰۰۰ میلادی کمتر از ۲۰۰۰۰ دلار (بر حسب شاخص برابری قدرت خرید و بر مبنای قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۵ میلادی) بوده است، نشان داده‌ایم که افزایش نرخ تورم (بر مبنای شاخص قیمتی مصرف‌کننده) و نرخ بیکاری کل موجب کاهش معنادار رضایت از زندگی می‌شود. همچنین، افزایش درآمد سرانه باعث افزایش رضایت از زندگی می‌شود. این نتایج با در نظر گرفتن اثر عوامل خرد (که در بخش پیشین توضیح داده شد)، اثر ثابت کشورها، و نیز اثر ثابت زمان (برای هر موج از پیمایش) به‌دست‌آمد.

افزایش درآمد سرانه در گروه کشورهای مورد بررسی باعث افزایش رضایت از زندگی شده است. در مقایسه با مطالعات پیشین، این نتیجه با نتیجه‌ای که بلنچفلور (۲۰۰۷) برای کشورهای فقیرتر اروپایی (جمهوری چک، یونان، مجارستان، لهستان، پرتغال، اسپانیا، و اسلواکی) به‌دست آورده است انطباق دارد. اما، بلنچفلور نشان داد که در گروه کشورهای ثروتمندتر اروپایی رشد درآمد سرانه ارتباط معناداری با رشد رفاه نداشته است. یکی از سؤالات مهمی که با استفاده از تخمین ضرایب تورم و نرخ بیکاری در مدل تخمین زده‌شده می‌توان به آن پاسخ داد اهمیت نسبی این دو متغیر در تابع رفاه است. همان‌گونه که پیوست نشان می‌دهد، ضرایب تورم و نرخ بیکاری به‌ترتیب

عبارت‌اند از: $0/00436$ و $0/01128$. این ضرایب اگرچه با توجه به نوع مدل تفسیر پیچیده‌ای دارند، از اثر تغییر مشابه یک‌درصدی هر یک از دو متغیر بر رفاه ذهنی حکایت دارند. ضریب اثرگذاری نرخ بیکاری بر رفاه از ضریب اثرگذاری نرخ تورم بر رفاه بزرگ‌تر است. برای این دو ضریب آزمون برابری نیز انجام شد. طبق نتیجه آزمون، فرض برابری رد می‌شود. بنابراین، اثر این دو متغیر بر رضایت از زندگی با شاخص نکبتی^۱، که برای تورم و بیکاری ضریب یکسان قائل می‌شود، قابل نمایش نیست، زیرا اثر افزایش نرخ بیکاری بر رفاه از اثر افزایش مشابه تورم بیشتر است.

دی‌تلا و دیگران (۲۰۰۱) برای محاسبه موازنه میان بیکاری و تورم روشی پیشنهاد کردند: بر روی یک تابع مطلوبیت مفروض یکسان و با فرض خطی بودن آن در محدوده مورد بررسی، روش آن‌ها به ارائه نرخ نهایی جانشینی میان تورم و بیکاری، یعنی شیب منحنی بی‌تفاوتی، منجر می‌شود. سیاست‌گذار پولی (بانک مرکزی) در انتخاب مسیر بهینه تورم‌زدایی می‌تواند از این شیوه تخمین استفاده کند.

افزایش بیکاری بر رفاه جوامع دو اثر متفاوت دارد: ۱. اثر شخصی؛ ۲. اثر کل. افزایش نرخ بیکاری به این معناست که عده‌ای شغل خود را از دست داده‌اند و نتیجه از دست دادن شغل بر رفاه آن‌ها منفی است. به علاوه، افزایش نرخ بیکاری بر رفاه شاغلان جامعه نیز مؤثر است. افراد در جامعه با نرخ بیکاری زیاد امنیت شغلی کمتری احساس می‌کنند و ترس بیشتری از بی‌کار شدن دارند. دی‌تلا و دیگران (۲۰۰۱) روشی معرفی کردند که بر مبنای آن می‌توان هر دو اثر مذکور را در نظر گرفت. آن‌ها اثر افزایش نرخ بیکاری بر رفاه کل را با اثری که یک درصد افزایش نرخ بیکاری بر افراد بی‌کار می‌گذارد جمع کردند. اثر دوم از طریق ضریب متغیر بیکاری در سطح داده‌های خرد به دست می‌آید. واضح است که این اثر برای خود فرد اثر بزرگی است. بنا بر تخمین محققان پژوهش حاضر، این عدد برابر $0/1845$ است. بنابراین، طبق این روش، اثر افزایش نرخ بیکاری بر رفاه کل جامعه برابر است با مجموع اثر ضریب بیکاری بر فرد بی‌کار و اثر بیکاری بر رفاه جامعه، یعنی:

$$0/001845 + 0/01128 = 0/01313$$

1. Misery index

برای به دست آوردن اهمیت نسبی تورم و بیکاری باید ضریب به دست آمده برای کل بیکاری را بر ضریب متغیر تورم (۰/۰۰۴۳۶) در مدل تخمین زده شده تقسیم کرد (۳/۰۱ = ۰/۰۰۴۳۶ ÷ ۰/۰۱۳۱۳). در واقع، صورت کسر اثر نهایی بیکاری بر رفاه و مخرج آن اثر نهایی تورم بر رفاه است. بنابراین، نرخ نهایی جانشینی میان تورم و بیکاری برابر است با ۳/۰۱. این عدد در مقایسه با نتیجه دی‌تلا و دیگران (۲۰۰۱) برای دوازده کشور اروپایی بزرگ‌تر است. آن‌ها عدد ۱/۶۶ را گزارش کرده‌اند. احتمالاً، میانگین بالاتر تورم در کشورهای در حال توسعه حساسیت مردم این کشورها را در مقابل تورم کاهش داده است و ترجیحات آن‌ها تمایل بیشتری به کاهش بیکاری نشان می‌دهد. به هر حال، نتیجه کلی و مشترک تحقیق حاضر و تحقیقات مشابه این است که، در نظر مردم، کاهش بیکاری از کاهش تورم مهم‌تر است و مردم حاضرند در قبال یک درصد کاهش بیکاری مقداری بیش از یک درصد افزایش تورم را بپذیرند.

۵. نتیجه‌گیری

اقتصاد شادکامی حوزه‌ای نوین در علم اقتصاد است. این حوزه جدید با تکیه بر داده‌های رفاه ذهنی مبتنی بر پیمایش‌های گسترده از جوامع سعی می‌کند تا با بهبود درک سیاست‌گذاران از آثار سیاست‌ها بر رفاه مردم به اتخاذ سیاست‌های بهتر کمک کند. این رویکرد، یعنی اندازه‌گیری رفاه در قالب شاخص‌های ذهنی، در مقابل جریان باسابقه‌تری در علم اقتصاد- که سعی می‌کند رفاه را در قالب شاخص‌های عینی نظیر درآمد یا مصرف سرانه تفسیر کند- قرار می‌گیرد. این روش به قضاوت انسان از رفاه خود اصالت می‌دهد و در مقابل ترجیحات آشکار شده بر مفهوم ترجیحات بیان شده به وسیله انسان‌ها تکیه می‌کند. شناخت عوامل مؤثر بر رفاه از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های رفاه ذهنی، اولاً، به درک جامع‌تری از مفهوم مطلوبیت و گسترش نگاه رایج، که با بیان وابستگی آن به عواملی معدود نظیر درآمد و فراغت از سایر عوامل احتمالی اثرگذار بر آن غفلت می‌ورزد، کمک می‌کند؛ ثانیاً، بر اساس این شناخت می‌توان سیاست‌گذاران را از طریق تبیین توابع ارزشی که بر اساس آن بتوان با حداکثرسازی کمیتی نزدیک‌تر به آنچه انسان‌ها آن را رفاه می‌پندارند، بر اثربخشی سیاست‌ها امیدوارتر کرد.

در این پژوهش، با استفاده از داده‌های خرد بیش از ۹۵ هزار نفر در بیش از ۴۴ کشور در حال توسعه، با در نظر گرفتن اثر متغیرهای سطح خرد، به شناخت عوامل کلان تأثیرگذار بر رفاه مردم این جوامع پرداخته شد. به طور خلاصه، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد:

۱. در کشورهای در حال توسعه افزایش سطح درآمد سرانه موجب ارتقای سطح رضایتمندی از زندگی می‌شود.

۲. کاهش نرخ تورم و نیز کاهش نرخ بیکاری کل موجب افزایش رضایتمندی کل جامعه می‌شود. این نتیجه نیز با نتایج مطالعات مشابه در کشورهای توسعه یافته منطبق است. در واقع، مطالعه حاضر توانسته است نتیجه مذکور را به گروه گسترده‌تری از کشورها تعمیم دهد. این نتیجه با در نظر گرفتن اثر متغیرهای سطح خرد به دست آمد. از این رو، نتایج این تحقیق حاکی از آن است که ثبات اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصاد کلان- فارغ از نظم‌های آماری که در سطح خرد وجود دارد و با فرض ثبات آن‌ها- می‌تواند به بهبود رفاه اجتماعی کمک کند.

۳. اثر یک درصد کاهش تورم در بهبود رفاه اجتماعی معادل با اثر یک درصد کاهش نرخ بیکاری کل نیست. در نظر مردم، منفعت حاصل از کاهش یک درصدی نرخ بیکاری کل بیش از منفعت کاهش یک درصدی نرخ تورم است. بنابراین، در تابع رفاه اجتماعی مد نظر سیاست‌گذار پولی وزن این دو متغیر یکسان نیست و سیاست‌گذار حداقل در کوتاه‌مدت می‌تواند برای بیکاری وزن بیشتری قائل شود. این نتیجه نیز با نتیجه مطالعات مشابه در کشورهای توسعه یافته منطبق است.

یافته‌های این تحقیق می‌تواند مقدمه‌ای برای مطالعات بعدی تلقی شود. گسترش مطالعات مرتبط با این حوزه از ادبیات در کشور تا حد زیادی به بانک‌های اطلاعاتی غنی وابسته است و هر چه تعداد و عمق این گونه اطلاعات در کشور بیشتر باشد، می‌توان به تداوم مطالعات مرتبط با اقتصاد شادکامی و، در نتیجه، تدوین سیاست‌های مؤثر در بهبود رفاه امیدوارتر بود. در واقع، این چنین مطالعات می‌تواند در محاسبه هزینه‌ها و منافع اعمال سیاست‌های مختلف راهگشا باشد.

منابع

۱. نیلی، فرهاد و بابازاده خراسانی، بهزاد (۱۳۹۱). «شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران»، پژوهش‌های پولی-بانکی، ۹۱(۱۴): ۲۷ - ۴۸.
2. Blanchflower, D. (2007). Is Unemployment More Costly than Inflation?, NBER Working Paper, No. 13505, National Bureau of Economic Research.
3. Blanchflower, D. & Oswald, A. (2004). Well-being over time in Britain and the USA, *Journal of Public Economics*, 88, 1359-1386.
4. Clark, A.E. & Lelkes, O. (2008). Deliver Us From Evil: Religion as Insurance, Mimeo, Paris School of Economics.
5. Di Tella, R. & MacCulloch, R.J. (2007). Happiness, Contentment and Other Emotions for Central Banks, NBER Working Paper, No. 13622, National Bureau of Economic Research.
6. Di Tella, R. & MacCulloch, R.J. (2006). Some Uses of Happiness Data in Economics, *Journal of Economic Perspectives*, 20(20): 25-46.
7. Di Tella, R., MacCulloch, R.J. & Oswald, A.J. (2001). Preferences over Inflation and Unemployment: Evidence from Surveys of Happiness, *American Economic Review*, 91(1): 335-341.
8. Easterlin, R.A. (1974). Does economic growth improve the human lot? Some empirical evidence. In P. David & W.R. (Eds.), *Nations and households in economic growth*, (pp. 90-125). Palo Alto. Cal.: Stanford University Press.
9. Easterlin, R.A. (2003). Explaining happiness, *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 100, 11176-11183.
10. Easterlin, R.A. (1995). Will raising the incomes of all increase the happiness of all? *Journal of Economic Behavior and Organization*, 27, 35-47.
11. Frey, B. & Stutzer, A. (2002). What Can Economists Learn from Happiness Research? *Journal of Economic Literature*, 40, 402-35.
12. Gilbert, D. (2006). *Stumbling on Happiness*, New York: Alfred Knopf.
13. Graham, C. (2009). *Happiness around the world*, Oxford University Press.

14. Kahneman, D. & Krueger, A.B. (2006). Developments in the Measurement of Subjective Well-Being, *Journal of Economic Perspectives*, 20(1): 3-24.
15. Krueger, A.B. & Schkade, D.A. (2008). The reliability of subjective well-being measures, *Journal of public economics*, 92(8): 1833-1845.
16. Oswald, A. (1997). Happiness and Economic Performance, *Economic Journal*, 107, 1815-31.
17. Stiglitz, Joseph E., Amartya, Sen & Jean-Paul, Fitoussi (2009). Report by the Commission on the Measurement of Economic Performance and Social Progress.
18. Wolfers, J. (2003). Is Business Cycle Volatility Costly? Evidence From Surveys of Subjective Wellbeing, *International Finance*, 6(1): 1-26.

پیوست: تخمین مدل ۳. خروجی نرم افزار STATA

تعداد مشاهدات=۹۵۱۸۹			رگرسیون پروبیت ترتیبی			
LR chi2(70)= 26490.16			Prob > chi2 = 0.0000			
Pseudo R2 = 0.0627			Log likelihood = -197850.39			
بازه اطمینان	P> z	z	انحراف معیار	ضریب	رضایت از زندگی	
0/0000579	0/0000333	0	7/24	6/30E-06	0/0000456	تولید ناخالص داخلی
-0/0037518	-0/0049687	0	-14/04	0/0003105	-0/0043603	تورم
-0/0064096	-0/0161441	0	-4/54	0/0024834	-0/0112768	بیکاری
-0/0172114	-0/0227495	0	-14/14	0/0014128	-0/0199804	سن
0/0002657	0/0002045	0	15/06	0/0000156	0/0002351	مجذور سن
0/1326465	0/0804048	0	7/99	0/0133272	0/1065257	گروه دوم درآمدی
0/2035653	0/1511288	0	13/26	0/0133769	0/177347	گروه سوم درآمدی
0/2935745	0/2406416	0	19/78	0/0135036	0/267108	گروه چهارم درآمدی
0/3895094	0/3352208	0	26/16	0/0138494	0/3623651	گروه پنجم درآمدی
0/464151	0/4054989	0	29/06	0/0149625	0/4348249	گروه ششم درآمدی
0/5612819	0/4968604	0	32/19	0/0164344	0/5290711	گروه هفتم درآمدی
0/6044386	0/5324665	0	30/96	0/0183606	0/5684526	گروه هشتم درآمدی
0/6411782	0/5492968	0	25/39	0/0234396	0/5952375	گروه نهم درآمدی
0/6472599	0/5485124	0	23/73	0/0251911	0/5978861	گروه دهم درآمدی
0/2800393	0/1091484	0	4/46	0/0435954	0/1945939	وضعیت سلامتی ۲
0/6570003	0/4907985	0	13/54	0/0423992	0/5738994	وضعیت سلامتی ۳
0/9144569	0/7478247	0	19/55	0/042509	0/8311408	وضعیت سلامتی ۴
1/204495	1/035986	0	26/06	0/0429877	1/12024	وضعیت سلامتی ۵
0/0816477	0/046255	0	7/08	0/0090289	0/0639513	مشارکت مذهبی متوسط
0/1630552	0/1265956	0	15/57	0/0093011	0/1448254	مشارکت مذهبی زیاد
-0/1599155	-0/2091825	0	-14/68	0/0125683	-0/184549	بی کار
0/0154213	-0/0451345	0/336	-0/96	0/0154482	-0/0148566	بازنشسته
0/1056467	0/0598294	0	7/08	0/0116883	0/082738	خانه دار
0/0408586	-0/0048385	0/122	1/54	0/0116576	0/0180101	خویش فرما
-0/0292618	-0/0847979	0	-4/03	0/0141676	-0/0570298	شغل پاره وقت
0/0282698	-0/0298042	0/959	-0/05	0/0148151	-0/0007672	دانشجو
-0/1168756	-0/1569364	0	-13/4	0/0102198	-0/136906	مجرد
-0/1788717	-0/2482187	0	-12/07	0/0176909	-0/2135452	طلاق گرفته

ادامه پیوست

-0/0894079	-0/1523915	0	-7/52	0/0160675	-0/1208997	بیوه
-0/0354756	-0/0656794	0	-6/56	0/0077052	-0/0505775	مردودن
-0/0931683	-0/2514315	0	-4/27	0/040374	-0/1722999	آرژانتین
-0/408489	-0/7610496	0	-6/5	0/0899406	-0/5847693	ارمنستان
-0/1028195	-0/3355611	0	-3/69	0/0593739	-0/2191903	الجزایر
0/0204452	-0/109216	0/18	-1/34	0/0330775	-0/0443854	برزیل
0/0384751	-0/1454816	0/254	-1/14	0/0469286	-0/0535032	چین
0/6080027	0/4837612	0	17/22	0/0316948	0/5458819	کلمبیا
-0/0776093	-0/2654306	0	-3/58	0/0479145	-0/1715199	اندونزی
-0/4578957	-0/574016	0	-17/42	0/029623	-0/5159559	ایران
-0/5263116	-0/7321506	0	-11/98	0/0525109	-0/6292311	مولداوی
-0/2720914	-0/464609	0	-7/5	0/0491125	-0/3683502	مراکش
-0/1029739	-0/2323358	0	-5/08	0/0330011	-0/1676548	پرو
-0/3481209	-0/5122683	0	-10/27	0/0418751	-0/4301946	لهستان
0/0814568	-0/1199978	0/708	-0/37	0/0513924	-0/0192705	فیلیپین
-0/1151835	-0/2646147	0	-4/98	0/0381209	-0/1898991	اروگوئه
-0/7411275	-0/8668528	0	-25/07	0/0320734	-0/8039901	رومانی
-0/7110335	-1/106507	0	-9/01	0/100888	-0/9087703	اسلوونی
-0/2138048	-0/3947651	0	-6/59	0/0461642	-0/304285	آفریقای جنوبی
-0/2421647	-0/3575567	0	-10/19	0/0294373	-0/2998607	ترکیه
-0/6215823	-0/7744314	0	-17/9	0/0389928	-0/6980068	اوکراین
-0/5873334	-0/7372823	0	-17/31	0/038253	-0/6623079	مصر
-1/081887	-1/437708	0	-13/88	0/0907723	-1/259798	کره جنوبی
-0/6447561	-0/8560098	0	-13/92	0/0538922	-0/750383	اسلواکی
-0/7724824	-0/9453743	0	-19/47	0/0441059	-0/8589284	روسیه
-0/7699026	-0/9703953	0	-17/01	0/051147	-0/870149	پاکستان
0/0801269	-0/0774371	0/973	0/03	0/0401956	0/0013449	مکزیک
-1/022801	-1/201571	0	-24/39	0/0456053	-1/112186	لیتوانی
-0/383137	-0/5724635	0	-9/89	0/0482985	-0/4778003	هند
-0/1635983	-0/3802016	0	-4/92	0/055257	-0/2718999	بنگلادش
-1/039092	-1/274234	0	-19/28	0/0599863	-1/156663	تانزانیا
-0/5188909	-0/7109994	0	-12/55	0/0490082	-0/6149452	گرجستان
-1/463279	-2/144303	0	-10/38	0/1737339	-1/803791	هنگ کنگ

ادامه پیوست

-0/3693831	-0/5400074	0	-10/45	0/0435274	-0/4546952	تایلند
-0/7007953	-1/075999	0	-9/28	0/095717	-0/8883971	ترینیداد و توباگو
-0/4495939	-0/6411513	0	-11/16	0/0488676	-0/5453726	صربستان
-0/7641789	-0/9261762	0	-20/45	0/0413266	-0/8451775	استونی
0/1607192	-0/1095867	0/711	0/37	0/0689569	0/0255662	دومینیک
-0/6444888	-0/826092	0	-15/87	0/0463282	-0/7352904	کرواسی
0/0201415	-0/0701634	0/278	-1/09	0/0230374	-0/025011	موج سوم
-0/1339697	-0/2262962	0	-7/65	0/0235531	-0/180133	موج چهارم
0/0363634	-0/0784505	0/472	-0/72	0/0292898	-0/0210435	موج پنجم